

Obstacles to the secularization of the Islamic government in Imam Khomeini's intellectual system

Saeed Ghorbani*, **Ali Morshedizad****

Mahdi Naderi***

Abstract

Sacrifice and martyrdom are two major issues in Islamic culture and the Islamic system is what makes the survival of Islam and the culture of sacrifice and martyrdom, Based on these two axes that Islam stand on his legs and stand up against any storm. With a glimpse of the history of the nations we find that if a nation of culture of sacrifice and martyrdom have had, remain proud and victorious, But for the society on the path of sacrifice and martyrdom to be permanent and stable society is in other words for the culture of sacrifice and martyrdom and not plagued Must pay identify damage and protect them, the study authors aim is that by using document analysis Damage to the culture of sacrifice and martyrdom, according to the Supreme Leader's recognition and In the next phase seeks to protect the damage cope with strategies to pure culture of sacrifice and martyrdom are protected from damage And sustaining the damage before the culture of sacrifice and martyrdom and research question from the perspective of the Supreme Leader What are the ways to protect them and in what form could it be? The findings of the

* PhD student in the field of political studies of the Islamic Revolution, (Corresponding Author)
Shahadat10425@gmail.com

** Faculty member of the Department of Political Science and Sociology of the Islamic Revolution of
Shah University, alimorshedizad@yahoo.com

*** Assistant Professor of Political Science, Shahed University, m.naderi@shahed.ac.ir

Date received: 09/11/2020, Date of acceptance: 11/08/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

study indicated that extensive damage Before the culture of sacrifice and martyrdom that should provide various solutions offered to be strengthened in the text.

Keywords: Pure Muhammadan Islam (PBUH), Secularism, Imam Khomeini (RA), Secularization, Islamic Government.



موانع عرفی شدن حکومت اسلامی در منظومه فکری امام خمینی (ره)

سعید قربانی تازه کندی*

علی مرشدی زاد**، مهدی نادری***

چکیده

در اندیشه متعالی امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، دین اسلام مکتبی جامع است که برای ابعاد مختلف فکری و عملی انسان در جامعه راهکار دارد. در نقطه مقابل این اندیشه راهبردی، تفکراتی متعارض وجود دارند که در سطح ملی و بین‌المللی مترصد هستند اسلام ناب محمدی (ص) را دین تک‌ساحتی و صرفاً معنوی معرفی کرده و از این زاویه به ناکارآمدی دین در عرصه‌های گوناگون اجتماعی از جمله سیاست اقرار کنند. با توجه به این تهدید برای انقلاب متعالی ملت ایران، متفکران اسلامی از جمله امام خمینی (ره) با پیش و شناخت راستین از اسلام اصیل در مقابل این نوع برداشت از دین ایستادگی کرده و مانع رشد این تفکر شدند و از این طریق مانع شدند دین اسلام همچون مسیحیت دچار انحراف شده و سنن عرفی به جای دین وارد عرصه‌های اجتماعی شود. با توجه به اهمیت مسئله فوق‌الذکر، در مقاله حاضر تلاش این است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای به این سوال پاسخ داده شود؛ موانع عرفی (سکولارشدن) نظام سیاسی اسلام از منظر امام خمینی (ره) چه مولفه‌هایی می‌باشند؟ مفروض مقاله به این قرار است که براساس نگرش راهبردی

* دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، گرایش اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی،

دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)، Shahadat10425@gmail.com

** دانشیار گروه علوم سیاسی و مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد،

alimorshedizad@yahoo.com

*** استادیار علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، m.naderi@shahed.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰



امام خمینی(ره)، اسلام یک دین جامع و کاملی است که برای تمامی وجوه و ابعاد زندگی انسان برنامه دارد که صرفاً در سایه تشکیل حکومت اسلامی امکان پیاده‌سازی دارد.

کلیدواژه‌ها: اسلام ناب محمدی(ص)، سکولاریسم، امام خمینی(ره)، عرفی‌شدن، حکومت اسلامی.

۱. مقدمه

امام خمینی(ره) بنیان جامعه و نظامی سیاسی اسلامی در ایران را پی‌ریزی کرد که دغدغه اصلی آن، دین‌داری و تحصیل سعادت حقیقی برای انسان معاصر در جهان کنونی است. ناآرامی جهان کنونی دلایل گوناگونی دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها کنار نهادن دین و معنویت از حیات انسانی است. نگرش و عملکرد امام خمینی(ره) توانست دین و معنویت را مجدداً به جامعه جهانی معرفی کرده و توجه آن‌ها را به تأثیر دیانت بر سیاست جلب نماید (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۵) امام(ره) با دریافتی جامع از دین اسلام و بهره‌گیری از عقلانیت دینی (Religious rationality) نسبت به سیاست توانست به احیای نگرش اسلام در تمام ابعاد زندگی انسان بپردازد. وی توانست افزون بر ارائه نگرشی کلی و همه‌جانبه از اسلام ناب محمدی(ص)، نگرش و کنش اجتماعی-سیاسی مبتنی بر آن را نیز دنبال نماید (نوری و همکار، ۱۳۹۵: ۹۶۹)

امام خمینی(ره) در راستای دینی‌کردن عرف، سیاست و اجتماع گام‌های زیادی برداشت (مریدی، ۱۳۸۸: ۱) ایشان اعتقاد داشتند اسلام مکتب کاملی برای سعادت و رشد انسان در ابعاد مادی و معنوی است. امام(ره) تأکید بر نگرش توأمان به اسلام (توجه به جنبه‌های مادی و معنوی) دارند. در این زمینه، تلاش استعمارگران و افراد وابسته به غرب این است که باید میان دیانت و سیاست تمایز ایجاد کرد و این مسئله در زمان حیات رهبر انقلاب اسلامی هم وجود داشت و ایشان جهت صیانت از انقلاب اسلامی در مقابل تهدیدات فرهنگی-سیاسی خارجی و داخلی بر پاسداشت اسلام سیاسی تأکید داشتند و از عرفی‌شدن به عنوان یک تهدید یاد می‌کردند. مقاله حاضر تلاش دارد با استعانت از اندیشه‌های امام(ره) به بررسی عوامل عرفی‌شدن(سکولار شدن) در حکومت دینی بپردازد و برای پاسخ به سوال اصلی از روش تحلیلی-توصیفی بهره گرفته می‌شود و مرجع اصلی این پژوهش، صحیفه امام می‌باشد.

۲. مفاهیم پژوهش

۱.۲ سکولار و عرفی شدن

تعبیر [Secularization] در زبان انگلیسی به برچیدن مقامات، مناصب و کارکردهای روحانی یا به انتقال برخی وظایف و کارکردهای معین همچون قضاوت، آموزش و کارهای اجتماعی از روحانیان به متخصصانی اشاره دارد که دیگر احراز شرایط عقیدتی ایشان برای قبول این وظایف و نقش‌ها ضروری یا متناسب نمی‌نماید. در زبان عربی واژه «علمانیت» معادل عرفی شدن و جدا انگاری دین و دنیا در زبان پارسی نیز همان معنا را می‌رساند (گلباغی، ۱۳۷۸: ۱۲۵) سکولاریزاسیون (Secularization) فرایندی است که به عرفی و عقلانی شدن نهادهای دینی، انفکاک دین از دنیا و به حاشیه‌راندن دین از عرصه‌های اجتماعی اشاره دارد. (عیوضی و همکار، ۱۳۸۸: ۱۰۳) عرفی شدن به معنای فرآیندی است که عرصه‌های دین به تدریج مسخر عرف می‌گردد و دین مرحله به مرحله به حاشیه اجتماع و به درون فرد رانده می‌شود. فرآیند عرفی شدن حسب عوامل مختلفی همچون جوهر دین رایج، ساخت اجتماعی، شرایط تاریخی و بافتار فرهنگی دارای الگوهای متفاوت و بعضاً منحصر به فرد عرضه می‌باشد (شجاعی زند، ۱۳۸۰: ۱۱۲)

۲.۲ حکومت اسلامی

از آنجایی که دین اسلام مجموعه‌ای از عقاید، احکام و اخلاق، باورها، قوانین و اصول ارزشی را دربر می‌گیرد (کلاته، ۱۳۸۷: ۴۷)؛ حکومت اسلامی حکومتی است که اسلام محتوای وجودی آنرا جهت و حرکت می‌دهد. حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید (خورشیدی، ۱۳۹۴: ۵) حکومت اسلامی از منظر امام اصلی اساسی است که در عرصه‌ی عمل لازم است وارد شود. غفلت جوامع اسلامی از مبانی اسلامی و عدم سازماندهی حکومت بر مبنای ارزش‌های الهی سبب می‌شود که حکومت بر مبنای اسلام صرفاً در بعد آرمانی خواهد بماند و وارد در حوزه‌ی عملی نخواهد شد؛ «فکر حکومت اسلامی، اینکه باید اسلام حکومت کند و

نه غیراسلام» (صحیفه امام، ج ۴: ۴۵۵) لذا از منظر امام غفلت مسلمین سبب شده است که اسلام در دایره ی حیات مسلمین جایگاهی نداشته باشد؛ «نهایت اینکه، غفلت مسلمین از مصالح خودشان و اخیراً هم دستهای استعمار از چند صدسال پیش به این طرف، موجب شد که حتی طرح همچون آرمانی نشود» (صحیفه امام، ج ۴: ۴۵۵)

حکومت ایده آل از نگاه امام حکومت اسلامی است که مبنای آن خدمت به مستضعفان و ایجاد رفاه برای مردم است. در منظومه ی نگاه امام صرف آرمان گرایی در باب اسلام کارساز نیست؛ بلکه باید از حالت تئوریک به روند عملیاتی تبدیل شود تا مردم در ظل آن قرار گیرند. وجود حکومت اسلامی از منظر امام جهت رفاه و آسایش مردم است؛ «وضع حکومت اسلام یک همچو وضعی است. اداره اش برای رفاه مردم است، نظامش برای رفاه مردم است، رئیس جمهورش برای رفاه مردم است، نخست وزیرش برای رفاه مردم است، و محیط، محیط محبت؛ یک محیط محبت.» (صحیفه امام، ج ۷: ۲۳۸) از نگاه امام تحقق چنین رویه ای باعث آسایش برای جامعه می شود:

اگر ما موفق بشویم به اینکه اسلام را به آن معنایی که بوده است، به آن معنایی که بنای اسلام بر آن بوده، در خارج متحقق بکنیم، هم نظام راحت می شود، هم شهربانی. دیگر احتیاج به اینکه به مردم تعدی نکند ندارد. هم ژاندارمری، هم ارتش. همه دوست و همه رفیق و با هم دوست و برادر. و من امیدوارم که یک همچو چیزی پیش بیاید و یک همچو حکومتی تحقق پیدا بکند؛ فقط آرزو نباشد، واقعیت باشد (صحیفه امام، ج ۷: ۲۳۸).

تشکیل حکومت اسلامی چشم انداز محور است و نیازمند بازه زمانی است و در کوتاه مدت امکان پذیر نیست. در بیانات امام آنچه مستند است این که هدف تشکیل صرف پوسته ی حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی نیست؛ بلکه هدف این است که هسته ی نظام یا محتوای درونی نظام ملبس بر آداب اسلامی باشد:

جمهوری اسلامی معنایش این است که همه مردم رأی بدهند یا اکثریت رأی بدهند به این که جمهوری؛ لکن احکام، احکام اسلام. جمهوری ای که در آن قانونش قانون اسلام باشد. اگر یک جمهوری باشد که قانونش قانون اسلام نباشد، این آن نیست که ملت ما می خواهند و رأی بر آن دادند. این همه خون دادند مردم به اینکه اسلام تحقق پیدا بکند، دنباله کار انبیاست؛ دنباله کار رسول خداست؛ دنباله کار امیرالمؤمنین است؛

موانع عرفی شدن حکومت اسلامی ... (سعید قربانی تازه کندی و دیگران) ۱۲۵

دنباله کار سیدالشهدا است. سیدالشهدا خودش را داده برای همین که اسلام تحقق پیدا بکند (صحیفه امام، ج ۸: ۴۲)

از نگاه امام صرف لفظ جمهوری اسلامی نمی تواند مشکلات و مسائل جامعه را حل کند:

دنبال اسم نیستیم که حالا که ما اسم جمهوری اسلامی پیدا کردیم کافی است برای ما. ما در هر یک از مواردی که هست، در تمام شئون مملکتمان، می خواهیم که احکام اسلام باشد، قرآن حکومت کند بر ما؛ قانون اسلام بر ما حکومت کند؛ هیچ کس دیگر حکومت نداشته باشد. و ما الآن بین راه هستیم؛ نرسیده ایم به مقصد (صحیفه امام، ج ۸: ۴۲)

۳. امام خمینی (ره) و تمدن غربی

فرهنگ و تمدن غرب با تکیه بر علم جدید، ریشه در تحولات مربوط به رنسانس در تمام ابعاد ادبی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و صنعتی دارد. ابعاد اندیشه ای این تحول عبارت از اومانیسم، سکولاریسم، لیبرالیسم و عقلانیت ابزاری بوده است که در بعد سخت افزاری خود، دولت مدرن را با تمام نتایج استعماری آن به همراه داشته است. روشنفکران مکاتب و مذاهب مختلف در مقابل این تفکر واکنشهای متفاوتی را از خود به نمایش گذاشته اند. در این محور تلاش این است که نگاه امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار یک نظام سیاسی جدید در ایران به غرب و مبانی و نکات مثبت و منفی آن مورد توجه قرار گیرد. امام با معرفت نسبت به مبانی غربی بر لزوم حفظ استقلال هویت جامعه اسلامی و جلوگیری از خودباختگی در قبال فرهنگ تهاجمی غرب تأکید دارد (طاهری بنچاری، ۱۳۸۸: ۱۲). نظامهای معاند مبانی اسلامی در صدد هستند که با حیل‌های مختلفی سد راه اهداف اسلامی شوند؛ از جمله این ابزارها تلقین از خودبیگانگی و خودباختگی در میان جوامع اسلامی است تا خود جوامع به این نتیجه برسند که با اسلام حکومتی قابل تصور نیست. وقتی از خودبیگانگی در جوامع اسلامی به وجود می آید جوامع از فرهنگ اصیل اسلامی بیگانه شده و در دام فرهنگ استعماری گرفتار می شوند و در نتیجه فکر تولید شده از آنها استعماری خواهد بود به همین سبب فرهنگ اسلامی را برای مبنای حکومتی ترد می کنند و

سیستم مدیریتی را بر اساس مبانی غیر ساماندهی می‌کنند؛ امام در باب نگاه وابستگی و عدم‌اعتماد به داشته‌های خود و تکیه بر داشته‌های دیگران می‌فرماید:

بدتر از آن، این است که محتوای اشخاص را بگیرند که اطمینان به خودش هم نداشته باشد! مثلاً ما مهندس داریم؛ نمی‌توانیم بگوییم مهندس ما نداریم؛ اما این محتوا را از ما گرفته‌اند که اگر بخواهیم یک جاده‌ای را اسفالت کنند، مهندسش باید از خارج بیاید؛ از خارج می‌آوردند. یک کارخانه بخواهید درست کنید، یک بنای بزرگ بخواهید درست کنید، از خارج باید بیاید. (صحیفه امام، ج ۸: ۷۹)

نگرش امام به فرهنگ و تمدن نظام غربی نه مثل روشنفکران بنا بر تسلیم کامل است و نه مثل گروهی که هرگونه استفاده از ابزارهای غربی را مردود می‌بینند هست بلکه نگاه ایشان به تمدن غربی در دو مقوله‌ی فنی و فرهنگی قابلیت تقسیم‌سازی دارد که در حوزه فرهنگی تأکید بر استقلال فرهنگی و باور به داشته‌های خود ناشی از اصول و مبانی اسلامی دارد است «کمال تأسف است که کشور ما که حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد، این فرهنگ را، این حقوق را نادیده گرفته است و دنبال غرب رفته است» (داستانی بیرکی، ۱۳۹۳: ۷۹) و در حوزه‌ی فنی بر لزوم استفاده از تجربیات بشری دارد، که جوامع بشری می‌توانند از دستاوردهای تمدن غربی بهره‌مند شوند؛ البته از منظر امام تمدن غربی خوبی‌ها را برای خود نگاه می‌دارد و کمتر به کشورهای دیگر منتقل می‌کند و اگر چنین اقدامی نیز انجام دهد اهداف خاصی را از آن دنبال می‌کند (طاهری بنچاری، ۱۳۸۸: ۱۳). امام بر جنبه‌های منفی تمدن غرب نیز اشاره دارد که در صحیفه به مواردی چون دوری از معنویت و سیر جامعه به سمت مادی‌گرایی و تک‌بعدی‌کردن حیات بشری، ایجاد فساد در ابعاد گسترده در جوامع مختلف و فاصله از انسان‌سازی و انسان الهی‌گرا، روحیه‌ی استعماری و مستعمره، ترویج روحیه‌ی خودباختگی در حیات بشری و ذوق زدگی آن‌ها برای گرایش به تمدن غربی، ایجاد حکومت‌های دست‌نشانده و تابع منافع استعماری، ایجاد شکاف و اختلاف و تفرقه و از بین بردن اتحاد و زمینه‌های انسجام‌گرایی، جذب دانشجویان و قشرهای تحصیل‌کرده و تربیت براساس مبانی فرهنگی خودی از جمله‌ی آنهاست (همان، ۱۸۵)

فرهنگ‌های پیشرو و تحرک‌آفرین و پویا با ارائه‌ی عناصر سازنده و به‌پیش‌برنده نقش اساسی در سازماندهی و شکل‌گیری و تداوم جوامع دارند. مکتب تشیع نیز با وجود

عناصر تحول آفرین چون، فقه و اجتهاد پویا، مکمل دانستن عقل و وحی و به کارگیری حداکثری عقل در مبانی دینی، آرمان گرایی مبتنی بر عدالت و شکل گیری جامعه ای با محور عدالت با کانون معصوم، امید بخشی مداوم به جامعه، تداوم معنویت و جلوگیری از پوچ گرایی جامعه، حوزه های علمیه و مراجع تقلید و امثال آن ظرفیت های عظیمی جهت جهت دهی به جوامع اسلامی دارد که انتهایی برای آن قابل تصور نیست. امام خمینی (ره) با استناد بر این محورها و مبانی دین اسلام را دین جامع و کاملی می داند که می تواند بشریت را هدایت کند و در این وادی نیازی به اقتباس و بهره گیری از مکاتب بیگانه وجود ندارد.

۴. رویکرد نظری؛ الگوی سه وجهی تبیین عرفی شدن حکومت

اندیشه امام خمینی (ره)، مبتنی بر اسلام بوده و در این اندیشه، ساماندهی حیات اجتماعی محور تأسیس نظام سیاسی بوده است. مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) متأثر از اندیشه سیاسی اسلام، در حوزه مبانی و پیش فرض های کلامی، فلسفی و اخلاقی ثابت است؛ اما در زمینه ها و شرایط محیطی و در چارچوب مبانی و اصول و قواعد نیز متغیر، منعطف و متأثر از ارزیابی شرایط و اقتضائات زمانی و مکانی جوامع اسلامی است (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۵) بنابراین، تلاش نگارندگان این است که با استفاده از سه رویکرد؛ بینش - اعتقادی، فرهنگی - اجتماعی و سیاسی نیز موانع عرفی شدن حکومت اسلامی در نگاه امام (ره) را مورد تحلیل قرار دهند.

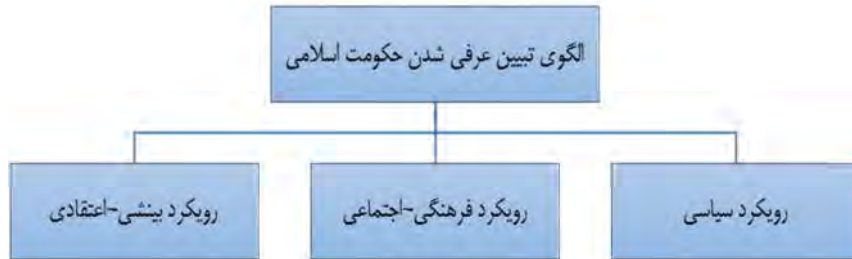
الف. رویکرد بینش - اعتقادی؛ منظور از رویکرد بینش - اعتقادی این است که باور، اعتقاد و معرفت نسبت به مسائل پیرامون بر اساس رویکرد دینی و اسلامی مورد تبیین و بررسی قرار گیرد. بینش و نوع جهان بینی صادر شده از انسان بر اساس مبانی و ارزش های اسلامی باشد، انحراف فکری به وجود نمی آید. البته در مواردی ممکن است انحراف فکری و تئوریک نباشد، ولی در رفتار و عملکرد تحریف ایجاد شود؛ ولی مبنای ورود به عملکرد صحیح نیازمند باور و بینش صحیح دینی است. در پژوهش حاضر تلاش بر این است تا باورهای صحیحی که زمینه های جلوگیری از عرفی شدن نظام اسلامی را فراهم می کند، مورد تحلیل قرار گیرد. به عنوان نمونه می توان به مولفه هایی همچون ایمان به خدا، شناخت صحیح اسلام، تبلیغ صحیح مبانی دینی، دوری از تفکرات افراطی و... اشاره کرد. از نگاه

امام(ره) اسلام دارای بینش صحیح و الهی است که در ذات آن نقص و عیبی مشهود نیست؛ لذا اگر در حیات بشری مشکلات در ابعاد مختلف آن مشاهده می‌گردد ناشی از سوءبرداشت و بینش انحرافی در حکومت، جامعه و امت اسلامی است.

ب. رویکرد فرهنگی-اجتماعی؛ منظور از رویکرد فرهنگی-اجتماعی این است که بینش صحیح در عرصه فرهنگی و اجتماعی وارد شود و زندگانی همراه با سعادت و هدایت را برای بشریت به ارمغان آورد. بینش و اعتقاد نیز زمانی همراه با منطق و عقلانیت باشد و به همان صورت منطقی در حوزه های اجتماعی و فرهنگی ورود نماید، مانع عرفی شدن نظام اسلامی خواهد شد. عمل به قرآن، عمل صالح، حمایت از محرومین با نیت الهی و امثال آن در رویکرد فرهنگی-اجتماعی قابل تبیین و بررسی است.

پ. رویکرد سیاسی؛ منظور از وجهی سیاسی این است که بینش صحیح و منطقی منبعث از مبانی و ارزش‌های اسلامی به رویه‌ی صحیح در وادی سیاست امت اسلامی ورود پیدا کند و به‌نوعی سیاست تجلی بینش و اعتقاد راستین به مبانی اسلامی باشد؛ در این صورت سیاست در راستای اهداف الهی قرار می‌گیرد، در نتیجه باورها و عملکردهای سیاسی مستخرج از آن باعث تقویت اسلام و مبانی دینی می‌شود. برای مثال زمانی که سه قوه‌ی مسئول و رهبری نظام سیاسی تابع بینش صحیح الهی باشند و مبانی اسلامی را در مسائل مختلف سیاسی دخالت دهند، در این صورت جامعه از سکولارشدن رهایی پیدا می‌کند.

در باب عرفی شدن حکومت اسلامی از نگاه امام(ره) باید توجه داشت: دین فردی و عبادی صرف نیست بلکه برای زندگی انسان در ابعاد مختلف دارای برنامه و سازمان‌دهی است؛ اگر به بینش امام در باب سه محور اسلام، عملکرد مسلمین و نظام استعماری رجوع شود، یافته‌ها گویای این امر است که از منظر ایشان اسلام به ذات خود کامل و جامع است و اگر نقصی در روند حیات مسلمین حادث می‌شود، از عملکرد مسلمین و جریان استعماری نشئت می‌گیرد.



شکل ۱. الگوی تبیین موانع عرفی شدن حکومت اسلامی
(یافته‌های نگارندگان)

۵. موانع عرفی شدن حکومت اسلامی از منظر امام خمینی (ره)

موانع عرفی و سکولار شدن حکومت دینی بر اساس اندیشه امام خمینی (ره) به‌قرار زیر هست؛

۱.۵ موانع بیشی - اعتقادی عرفی شدن حکومت اسلامی

۱.۱.۵ شناسایی و شناساندن اسلام

از عوامل عقب‌ماندگی مسلمانان، عدم شناخت صحیح نسبت به مبانی دینی است. نقص در شناخت صحیح اسلام راستین عامل این است که یا اسلام در بین جوامع محو می‌گردد و یا آنقدر شبهات و مسائل خرافی به نام اسلام در بین مردم ترویج داده می‌شود که مردم از اسلام واقعی دور می‌شوند (خسروپناه و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۰۳) از نگاه امام (ره) از جمله دلایل گرایش جوان‌ها به مکاتب فکری الحادی و التقاطی این است که اسلام به‌صورت صحیح در جوامع اسلامی عرضه نشده است. لذا اگر بتوان اسلام واقعی را در جامعه پیاده کرد؛ در این صورت مکاتب مادی در حکومت اسلامی جایگاهی ندارند. از نگاه امام (ره)؛

اگر اسلام به آن طوری که هست عرضه بشود، مکاتب‌های دیگر عقب می‌نشینند، مکاتب‌های دیگر شکست می‌خورند. اگر ان شاء الله ما توفیق پیدا بکنیم و جمهوری اسلامی را با همه احکامی که دارد، با همه احکام نورانی که از طرف خداوند تعالی برای

سعادت بشر آمده است، ما بتوانیم پیاده بکنیم و با همت همه اقشار ملت و شما جوان‌های برومند بتوانیم پیاده بکنیم، سعادت‌مند خواهیم شد. (صحیفه امام، ج ۷: ۲)

شناخت صحیح مبانی اسلام و شناساندن آن در روند تحولات داخلی و خارجی باعث می‌شود که دین در قالب و مبنای صحیح آن در تئوری و رفتار پیاده شود اگر تئوری و رفتار در قبال اسلام صحیح باشد جامعه جذب در اسلام و مبانی اسلامی می‌گردد و از نفوذ مبانی و مکاتب بیگانه جلوگیری به عمل خواهد آمد.

۲.۱.۵ از تقاء سطح بینش و بصیرت در امت اسلامی

امام(ره) رمز ایستادگی در برابر توطئه فرهنگی و سیاسی دشمنان نظام اسلامی را هوشیاری و بصیرت دانستند. بر اساس راهبرد فکری ایشان، اگر هوشیاری در مردم نباشد ممکن است این مسیر ایجادشده با شکست مواجه شود و وضعیت دیگری حاکم گردد:

شما هوشیار باشید که بسیاری از این اشخاصی که بین مردم افتادند و تبلیغات سوء می‌کنند، می‌خواهند این نهضت ما را به شکست برسانند. شما دوستان، شما برادران من آگاه و بیدار باشید...، اگر شما دوستان و همه اقشار ملت بیدار نباشند، من خوف آن دارم که خدای نخواستہ به شکست برگردیم. (صحیفه امام، ج ۷: ۱۶)

ایشان جایی دیگر بیان می‌نمایند هوشیاری و بصیرت مردم عامل رونق گرفتن تهدیدات دشمنان داخلی و خارجی است؛

«باید هوشیار باشید، باید بیدار باشید، باید دسیسه‌های آن‌ها را خنثی کنید، عمال آن‌ها الآن در بین طبقات ما می‌خواهند اختلاف ایجاد کنند؛ تظاهرات ضد دینی بکنند.» (صحیفه امام، ج ۶: ۳۷۱)

توجه به بصیرت دینی و بن‌مایه‌های انسجام ایدئولوژیک و درک درست از راهبردهای قدرت استکبار جهانی برای ایجاد گسست در جهان اسلام؛ از جمله محورهای اساسی برای بیداری نظام و جهان اسلامی در برابر نظام کفر است. (غفوری و همکار، ۱۳۹۵: ۱۲۰) کلید و رمز شناسایی و شناساندن اسلام در جوامع اسلامی و غیر اسلامی ایجاد بصیرت و آگاهی است. امت اسلامی زمانی که از احکام و مبانی دینی شناخت دقیق و منطقی داشته باشند و نسبت به مبانی دینی به آگاهی کافی برسند، تفکرات بیگانه نمی‌تواند مداخلت داشته باشد.

۳.۱.۵ تحول روحی و معنوی

از اساسی‌ترین راه‌ها جهت دفع مشکلات کشور، استعانت از ملت است. اگر در ملت یک نوع تحول روحی بر اساس معنویات شکل گیرد و تصمیم آن‌ها بر اساس معنویت و پایبندی بر مبانی اسلامی باشد، مشکلات جوامع اسلامی حل می‌شود. امام خمینی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب را احیاء اسلام و ایجاد تحول روحی در مردم از مادیات به معنویات و ایجاد دگرگونی در ارزش‌ها می‌داند (دهشیری، ۱۳۷۹: ۷۱) در این خصوص آمده است:

ملت ما متحول شد از خوف به شجاعت و از یأس به اطمینان و از توجه خود به توجه به خدا و از تفرقه به اجتماع. این تحول، تحول معجزه‌آسا اسباب این شد که این مشکل بسیار بزرگ را، مشکلی را که شاید همه‌جا و همه دنیا محال می‌دانستند، حلش کند. شما گمان نکنید که ایران دارای سلاح بود. ایران سلاحش سنگ بود، چوب، مش، لکن سلاح معنوی داشت. سلاح معنوی‌اش ایمان به مکتب، ایمان به خدای تبارک و تعالی و توکل به مبدأ قدرت و وحدت کلمه [بود] (صحیفه امام، ج ۱۳: ۸۴)

از نگاه امام (ره) آسیب جدی برای تحول روحی امت نیز سستی در قبال هدف است که اگر این روند به وجود آید، بازگشت به تحولات غیر اصیل به وجود خواهد آمد: «من خوف این را دارم که با سردی و سستی ماها یک‌وقت خدای نخواستہ اوضاع برگردد و اگر خدای نخواستہ برگردد، از آن برگشت‌هایی است که دیگر ما رفته‌ایم.» (امام خمینی، ۱۳۹۳: ۲۶۹) انقلاب اسلامی بر اساس تحول معنوی حاصل شده از ملت شکل گرفت؛ لذا پایداری و استمرار انقلاب نیازمند حفظ و تداوم تحول روحی است. ملت تا زمانی موفق هستند که در روند تحول معنوی گام بردارند. امام (ره) تحول از نفوس شیطانی به رحمانی را لازم و ملزوم انقلاب اسلامی دانسته و در این باره فرمودند:

«باید همه ملت متحول بشود. فقط این نباشد که ما انقلاب چیز کردیم از طاغوت به این. باید انقلاب باطنی بکنیم. باید نفوسمان هم منقلب بشود. آن به این است که ما مطابق نظام اسلام عمل کنیم.» (صحیفه امام، ج ۱۱: ۵۰۴)

انقلاب اسلامی ناشی از تحول روحی و معنوی ملت ایران بود و این تحول باعث ظهور و نشر انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی شد. لذا تداوم و ثبات چنین حرکت و تکاپویی نیازمند تداوم روحیه و تحول معنوی است. تلاش دشمنان حکومت اسلامی بر

این است که تحول معنوی را متوقف کنند و بین ملت و معنویت فاصله ایجاد کنند تا از این طریق بتوانند زمینه‌های جایگزینی افکار عرفی و سکولار را فراهم سازند.

معنویت اصل اساسی در حکومت اسلامی است؛ لذا همت نظام اسلامی حیاتی است بر آن هدف تمرکز داشته باشد و کارگزاران مترصد باشند معنویت را در جامعه‌ی اسلامی ارتقا بخشند:

یک مسأله که در رأس همه امور است مسئله معنویات است. ما باید کوشش کنیم که معنویات را در بین این ملت عزیز و در بین مسلمین پیاده کنیم، مردم را دعوت به معنویات و دعوت به اخلاق اسلامی و آداب فرهنگ اسلامی کنیم. (صحیفه امام، ج ۱۷: ۳۷۲)

حکومت اسلامی بر اساس ارزش‌های الهی شکل گرفته، بر این تعریف پایداری آن، نیازمند استقرار معنویات و ارزش‌های الهی است. لکن جامعه از معنویت فاصله بگیرد، مبانی عرفی و سکولاریسم در سطوح مختلف حیات مسلمین نفوذ پیدا کرده و انسان را در مسیر انگیزه‌های نفسانی سوق می‌دهد. لذا شاه راه جهت ممانعت از ورود مبانی و تفکرات مکاتب مادی و غیر دینی ایجاد تحول درونی در ملت و تداوم بخشی این روحیه است که امام نیز بارها در بیانات و سخنرانی‌های خود نسبت به این امر مهم اشاره داشته اند.

۴.۱.۵ دوری از تحجر

امام (ره) مقدس‌نماها را مانع اصلاحات و نهضت معرفی می‌کند و هشدار می‌دهد که اینان به نام اسلام، بدترین آسیب‌ها را به اسلام می‌زنند. (یوسفی، ۱۳۸۵: ۴۷) در میان روحانیت هم افرادی یافت می‌شوند که یا به واسطه‌ی وابستگی و یا انحراف، سعی در تخریب اسلام دارند. خطر آنان برای اسلام و روحانیت، کمتر از دشمنان خارجی نیست؛ بلکه ضربات آنان مؤثرتر و خطرناک‌تر است. (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۳: ۶۹) به فرمایش امام خمینی (ره)؛ «یقیناً روحانیون مجاهد از نفوذ بیشتر زخم برداشته‌اند. گمان نکنید که تهمت وابستگی و افترای بی‌دینی را تنها اغیار به روحانیت زده است، هرگز ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته، به مراتب کاری‌تر از اغیار بوده و هست.» (صحیفه امام،

موانع عرفی شدن حکومت اسلامی ... (سعید قربانی تازه کندی و دیگران) ۱۳۳

این نوع افکار انحرافی به معاندین کمک می‌کند که وضع کشورهای اسلامی را به همین صورت نگه‌دارند و از نهضت اسلامی جلوگیری کنند. این‌ها افکار جماعتی است که به مقدسین معروف هستند و در حقیقت مقدس‌نما هستند. باید افکار آن‌ها را اصلاح کنیم؛ چون چنین تفکری مانع اصلاحات و نهضت است. (طائی حسنلوئی، ۱۳۸۶: ۲۶۴) امام(ره) متحجرین را مساعدکننده و هموارکننده‌ی مسیر برای هدف‌های استعماری می‌داند:

در ۱۵ خرداد ۴۲ مقابل با گلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر تنها این بود مقابل را آسان می‌نمود. بلکه علاوه بر آن از داخل جبهه خودی گلوله حيله و مقدس‌مآبی و تحجر بود؛ گلوله زخم‌زبان و نفاق و دورویی بود که هزار بار بیشتر از باروت و سرب، جگر و جان را می‌سوخت و می‌درید. در آن زمان روزی نبود که حادثه‌ای نباشد، یادی پنهان و آشکار امریکا و شاه به شایعات و تهمت‌ها متوسل شدند حتی نسبت تارک‌الصلاة و کمونیست و عامل انگلیس به افرادی که هدایت مبارزه را به عهده داشتند می‌دادند. واقعاً روحانیت اصیل در تنهایی و اسارت خون می‌گریست که چگونه امریکا و نوکرش پهلوی می‌خواهند ریشه دیانت و اسلام را برکنند و عده‌ای روحانی مقدس نمای ناآگاه یا بازی‌خورده وعده‌ای وابسته که چهره‌شان بعد از پیروزی روشن گشت، مسیر این خیانت بزرگ را هموار می‌نمودند. (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۷۹)

امام(ره) از جمله دلایل نفوذ و سلطه بیگانگان، تفرقه در امت واحده، هجوم صهیونیسم و ضعف جهان اسلام را همین جریان‌ات متحجری می‌دانستند که با جهل، نادانی و مقدس‌مآبانه‌شدن هر مبارزه‌ای را تحریم نموده بودند و مسلمین را در زیر پرچم جبرگرایانه قضا و قدر به اسارت ظلم و ستم‌های موجود در آورده بودند. (پرتو و همکار، ۱۳۹۵: ۵۸۶)

از جمله محورهایی که سبب نفوذ جریان‌های بیگانه در تئوری و عملکرد امت اسلامی می‌گردد تفکر متحجرانه است. فکر متحجر زمینه‌های نوگرایی و اجتهاد را در مبانی دینی مسدود می‌کند لذا دین نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای نوین بشری گردد در این شرایط نوعی تردید و فاصله‌گیری مردم از مبانی دینی ظهور پیدا می‌کند.

۵.۱.۵ دوری از نفسانیت

از نظر امام(ره) علم و تهذیب اخلاق نیاز است که با هم در قشرهای مختلف مردمی نهادینه شود، علم فارغ از تهذیب و خودسازی برای جامعه‌ی اسلامی ثمری نخواهد داشت. تلاش‌ها در تقابل با نظام جمهوری اسلامی بر این است که در نظام آموزشی جمهوری

اسلامی ایران نفوذ کنند تا بر اساس تربیت اساتید ضد ارزش‌های اسلامی، جوانان کشور را بر اساس مبانی همگام با خود تربیت کنند. در این صورت از لحاظ علمی جوانان به درجه‌ی عالی می‌رسند ولی از لحاظ تهذیب نفس عقب مانده‌اند. در چنین شرایطی وقتی وارد در سیستم مدیریتی شدند؛ برخلاف سیستم نظام سیاسی دینی عمل خواهند کرد که در این شرایط اسلام و جوامع اسلامی در انحطاط قرار خواهد گرفت:

باید از همین حالا، همین جوان شانزده‌ساله، همین جوان بیست‌ساله که [در] مدارس هست، در مدارس علمی هست، از حالا باید آن طوری که رضای خداست، آن طوری که دستورات الهی است، از حالا باید خودش را عادت بدهد به اینکه آن طور باشد. یک قدم که برای تحصیل علم برمی‌دارد، یک قدم هم برای تحصیل اخلاق خوب و تهذیب بردارد. اگر خدای نخواستہ عالمی مهذب نباشد، اگر خدای نخواستہ عالمی آن طوری که اسلام می‌خواهد نباشد، این ضررش از نفعش بیشتر است. (صحیفه امام، ج ۲: ۳۸)

پیش از انجام هر فعالیتی نیاز است که خودسازی شود، انسان اگر در جهت اوامر الهی خودش را اصلاح کند و در مسیر خودسازی قدم بردارد، هر چند نتیجه‌ای هم حاصل نشود، شکستی برای او وجود ندارد:

باید خودتان را بسازید تا بتوانید قیام کنید. خود ساختن به اینکه تبعیت [کنید] از احکام خدا. هر چه فرموده است اطاعت؛ هر چه فرمود نه، نه؛ هر چه فرمود آره، آره. وقتی این طور شد، یک مرتبه، یک مرتبه پیدا شد یک مرتبه‌ای که از برای انسان باید باشد. اگر این کار این طور بشود که هر چه فرمود نه، نه؛ و هر چه فرمود آره، آره شد، و این تابع اراده حق تعالی شد که هر چه فرموده است می‌کنم، هر چه فرموده است نکن نمی‌کنم، این از انسانیت یک مرتبه پیدا شده. مراتب دیگر هم زیاد است. و اگر این مرتبه از انسانیت هم پیدا شد که من کارم کاری شد که برای خدا این کار را می‌کنم، شکست دیگر در آن نیست. (صحیفه امام، ج ۵: ۱۶۹)

امام خمینی بر خودسازی و دوری انسان از نفس اماره و تزکیه‌ی نفس تأکید مؤکد دارند. حاکمان حکومت اسلامی در درجه‌ی اول لازم است افرادی خودساخته باشند. تزکیه بر نفس سبب می‌شود که مسئول در روند اجرائیات از مبانی دینی عدول کند و خواسته‌های فردی و شخصی را بر مبانی اسلامی تقدم بخشد که در این شرایط حاکمیت

صحیح الهی در جامعه به انزوا کشیده می شود و رفته رفته این نوع برخورد با مبانی دینی در زندگی فردی امت اسلامی جایگاه پیدا می کند که نمود واضح عرفی شدن جامعه است.

۲.۵ موانع فرهنگی عرفی شدن حکومت

۱.۲.۵ استقلال فکری و فرهنگی

وابستگی فکری مانع اصلی در قبال رشد و خلاقیت یک جامعه است. حکومت اسلامی برای قرار گرفتن در مسیر رشد و پیشرفت، نیازمند استقلال فکری و فرهنگی است و امت برای متکی بر مبانی فرهنگی صحیح اسلامی می باشد. تلاش ها در جهت مخالفت با مبانی اسلام و جلوگیری از نفوذ اسلام در حکومت اسلامی به این دلیل است که جامعه ای اسلامی را از لحاظ فکری محصور کنند و فرهنگ بیگانه را بر آن غالب کند. هدف این است که حکومت را از لحاظ فکری وابسته کنند تا نتواند بر اساس سیستم فکری اسلام به صورت راهبردی از لحاظ تئوریک قدم بردارد و در روند آن عمل کند. امام (ره) وابستگی فکری در امت اسلامی را مانع استقلال فرهنگی و فکری می داند:

ما خودمان را بشناسیم که ما خودمان هم فرهنگ داریم؛ خودمان هم همه چیز داریم؛ و احتیاج به غرب در این امور نداریم؛ و آنی که آن ها به ما می دهند آن نیست که واقعیت رشدآوری باشد؛ آن است که ما را می خواهند در یک حدی نگه دارند. (صحیفه امام، ج ۱۰: ۲۲۹)

امام خمینی (ره) تأکید دارد رأس همه اصلاحات در حکومت اسلامی، اصلاح فرهنگ بوده و از جمله دستاوردهای انقلاب اسلامی، برقراری فرهنگ مستقل در جامعه هست. از مظاهر این استقلال می توان به استقلال فکری، رهایی از استعمار فکری و جایگزین ساختن تفکر استقلالی اشاره کرد. امام (ره) معتقد بودند غرب در پی استیلای فرهنگی بر شرق است و این استیلا نظم فرهنگی جامعه ی شرقی را بر هم خواهد زد. به همین دلیل، شیوه اصلاح فرهنگی نیز الگویی از تحول فرهنگی در پرتو تعهد فرهنگی در حکومت است. (سالاری و همکار، ۱۳۹۲: ۶۷) از آنجایی که فکر از فرهنگ ناشی می شود، لذا فرهنگ باید مستقل و رها از قیدوبند بیگانه باشد و در صورت عمل به فرهنگ بومی و دینی، جامعه مسیر رشد و تعالی را در پیش خواهد گرفت؛

شما اگر بخواهید از همه وابستگی‌ها خارج بشوید، این باید این وابستگی مغزی را، قلبی را کنار بگذارید. گمان نکنید که هر چه آن‌ها دارند خوب است... جوان‌های ما هم باید جدیت کنند در این معنا که خودشان را که گم کردند پیدا نکنند. تا اسم غرب می‌آید، خودشان را نبازند. (صحیفه امام، ج ۱۲: ۶)

استقلال فکری در نگاه امام (ره) زمانی حاصل می‌شود که نوعی بازگشت به خویشتن و تحول درونی برای شهروندان حکومت اسلامی به وجود آید؛ «ما باید کاری بکنیم که خودمان و همه قشرهای ملت و همه جوانان ما باورشان بیاید که ما هم آدمیم.» (صحیفه امام، ج ۱۱: ۲۲۲) ایشان وابستگی فکری را نتیجه از خودبیگانگی و غربزدگی می‌داند و معتقدند آنچه استعمارگران با ملل دیگر انجام می‌دهند نیز تزریق بی‌هویتی فرهنگی، بی‌ریشگی تاریخی و حس نیازمندی به دیگران است. (فوزی، ۱۳۸۴: ۱۳۶) استقلال فکری و فرهنگی باعث می‌شود که امت اسلامی بر اساس داشته‌ها و مبانی اسلامی در جامعه تصمیم‌گیری کرده و رفتار کنند. تئوری صحیح و رفتار صحیح اسلامی باعث اسلامی شدن جامعه و اجتناب از مبانی مکاتب بیگانه می‌گردد. چنین پازلی با تکیه بر استقلال در بعد فکری و فرهنگی امکان عملیاتی دارد.

۲.۲.۵ خودباوری و بازگشت به اصالت‌های فرهنگی

یکی از عناصر محوری و کانونی گفتمان انقلاب اسلامی، «بازگشت به خویشتن» و اصالت‌دادن به داشته‌های اصیل ملی و مذهبی است که حاصل آن هویت بخشی اسلامی و حفظ و استمرار آن است. (نظری و همکار، ۱۳۸۷: ۱۵۶) جوامع اسلامی تا زمانی که سردرگم باشند، نمی‌توانند مستقل باشند. لذا راه اساسی جهت نیل به استقلال و استحکام فرهنگی در حکومت اسلامی، شناخت خود، مبانی فرهنگی و ظرفیت‌های فرهنگی ملی است: «هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا نکند الا اینکه خودش، خودش را بفهمد. مادامی که ملت‌ها خودشان را گم کردند و دیگران را به جای خودشان نشانند، استقلال نمی‌تواند پیدا کنند.» (داستانی بیرکی، ۱۳۹۳: ۷۹)

استقلال و عدم وابستگی در ابعاد مختلف زمانی در یک جامعه امکان‌پذیر است که جامعه متکی بر فرهنگ و سنت خود باشد. تمام تلاش‌ها این است که جهان اسلامی را عقب‌مانده و وابسته نگه‌دارند تا بتوانند خواسته‌های خود را از کانال وابستگی‌ها تأمین کنند.

موانع عرفی شدن حکومت اسلامی ... (سعید قربانی تازه کندی و دیگران) ۱۳۷

لذا از نگاه امام(ره) زمانی جامعه اسلامی می‌تواند به رهایی و استقلال در ابعاد مختلف از جمله استقلال فکری دست یابد که باور به فرهنگ و ارزش‌های خود داشته باشد و به این روند باور داشته باشد که می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های فکری و فرهنگی خود به رشد و توسعه دست یابد:

این پیروزی که شما به دست آوردید، برای اینکه باورتان آمده بود که می‌توانید؛ باورتان آمده بود که امریکا نمی‌تواند به شما تحمیل بکند. این باور اسباب این شد که آن کار بزرگ معجزه‌آسا را شماها انجام دادید... باورتان باشد که خود ما هم می‌توانیم، صنعتی داشته باشیم و می‌توانیم ابتکاری داشته باشیم. (صحیفه امام، ج ۱۴: ۳۰۹)

از موانع از خودبیگانگی، شناخت فرهنگ و تاریخ ملی است. امام(ره) با آگاهی کامل از پیشینه‌ی قوی علمی، سیاسی، اجتماعی و دینی مردم را به شناخت گذشته و تاریخ خود فرامی‌خواند تا با علم به گذشته، اعتقاد و اعتماد به خود را تقویت کرده و از این رهگذر آسیب‌هایی چون خودباختگی را بزدایند. هدف این شناسایی و تحول فرهنگ، دستیابی به هویت اصیل و قطع وابستگی به بیگانگان است. (فوزی، ۱۳۸۵: ۲۰۴) امام در این باره می‌فرماید:

بارها تذکر دادیم که باید ایرانی بسازیم که بتواند بدون اتکا به امریکا و شوروی و انگلستان-این جهان خواران بین‌المللی-استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی خویش را به دست گیرد و روی پای خود بایستد و هویت اصیل خویش را به جهان عرضه کنند. امیدواریم با تحول فرهنگ حاکم اسلامی، این گروه به خود مشغول و از مردم بریده به خود آیند و اصالت خویش را دریابند و از وابستگی نجات پیدا کنند. (صحیفه امام، ۱۳۸۵، ج ۹: ۲۵)

امام(ره) رهایی جوامع اسلامی از خودباختگی را مقدمه دستیابی به استقلال می‌داند. لذا تا زمانی که جامعه خودباخته و از فرهنگ خود بیگانه باشد، راه به جایی نخواهد برد:

تا این‌ها آن محتوای خودشان را پیدا نکنند و نشوند یک موجود شرقی و خودشان را شناسند نمی‌توانند مستقل باشند. شما هر چه هم زحمت بکشید، تا دانشگاه ما آن مغز غربی را کنار نگذارد و یک مغز شرقی پیدا نکند، نمی‌تواند مستقل باشد. (صحیفه امام، ج ۹: ۳۷۹)

آنچه از بیانات امام خمینی استنباط می‌شود این‌که جوامع جهت هدایت در ابعاد مختلف مادی و معنوی نیازمند اتکا بر فرهنگ اصیل اسلامی هستند که صرفاً از طریق خودباوری به مبانی اسلامی امکان‌پذیر است. خودباوری باعث تکیه بر داشته‌های خود می‌گردد که نتیجه‌ی آن این‌که جامعه از روندهای عرفی شدن رهایی و نجات پیدا می‌کند.

۳.۲.۵ تربیت صحیح انسانی - اسلامی

از جمله موانع عرفی شدن نظام اسلامی ورود در مباحث تربیت جامعه بر اساس رویکردهای اسلامی است. حکومت اسلامی لازم دارد در روند تربیتی ورود پیدا کند تا جامعه به‌دور از مبانی غربی و مادی‌گرا تربیت شود. در حکومت اسلامی نظام آموزشی کشور لازم است که بر اساس آموزه‌های اسلامی تربیت شود و نیاز است که صاحبان آموزش در کشور بر اساس الگوی اسلامی تربیت شوند، تا جامعه اسلامی شود. اگر تربیت یک جامعه توسط افراد ناآشنا و مغرض با مبانی اسلامی صورت گیرد، تربیت غیر اسلامی جایگزین تربیت صحیح می‌شود و لذا در عرصه‌ی مدیریت نیز سیاست عرفی جایگزین سیاست اسلامی می‌شود:

عمده این است که دانشگاه طوری بشود که افرادش خصوصاً معلمینش یک معلمینی باشند که متعهد باشند و آن وقت هم در سر کلاس‌ها آن مقداری که صلاح است اشخاصی، معلمینی باشند که برای آن‌ها صحبت‌های اخلاقی بکنند؛ صحبت‌های اسلامی بکنند که این جوان از حالا پرورش پیدا بکنند. (صحیفه امام، ج ۱۳: ۳)

نظام جمهوری اسلامی بر اساس مبانی دینی تثبیت شده است و تداوم آن نیازمند این است که ملت و روشنفکران جامعه بر اساس مبانی اسلامی تربیت شوند تا در آینده با قرارگرفتن در روند مدیریت جامعه بر اساس سیاست اسلامی حرکت کنند و مجذوب در مکاتب غربی و سیاست‌های مادی نباشند. امام (ره) کشوری را سالم می‌داند که تربیت آن بر اساس معارف الهی باشد:

موانع عرفی شدن حکومت اسلامی ... (سعید قربانی تازه کندی و دیگران) ۱۳۹

«اگر مردم را تربیت کنید به یک تربیتی سالم، و دعوت کنید به اینکه با خدا آشنا بشوند، با معارف الهی آشنا بشوند، با قرآن آشنا بشوند، اگر این طور شد، کشور شما سالم می ماند.» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۳۵۷)

امام (ره) جایی دیگر بین تربیت و رهایی از وابستگی اشاره می نمایند؛ «باید دانشگاه جدیت کند به اینکه افرادی را همچو بار بیاورد، همچو تربیت و تعلیم بکند، که احتیاج را از خارج سلب بکنند این ها.» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۴۳۶).

اسلام به دنبال تربیت صحیح بشر می باشد تا انسان با اتکا بر مبانی صحیح تئوری و رفتاری در ابعاد مادی و معنوی به تعالی برسد. تفکراتی در صدد هستند تا جوامع اسلامی را صرفاً در بعد مادی تغذیه دهند و از بعد معنوی که انسان ساز است محروم کنند. لذا از زاویه دید امام تربیت باید انسانی اسلامی باشد تا اسلام در جامعه ماندگار شود و ماندگاری اسلام باعث تعالی بشر در ابعاد مادی و معنوی می گردد.

۴.۲.۵ مقابله فرهنگی با غرب زدگی

تفکر غربی به یک باره بر نظام فکری و عملی ایران حاکم نشده است، لذا پاک سازی آن روندی طولانی می طلبد. تلاش معاندین بر این بود که از لحاظ فکری ایران را مطیع کنند تا تصمیم گیری ها و عملکردها در ایران بر اساس منافع استعماری اتخاذ شود و با وقوع انقلاب اسلامی تفکرهای غربی هنوز در جامعه ی ایران باقی است و زائل کردن این تفکر زمان طولانی می طلبد. امام پاک سازی جامعه ی اسلامی از افکار غربی را مهم ترین رکن می داند. از نگاه ایشان تا زمانی که افکار جامعه درگیر فرهنگ غربی باشد، حکومت نمی تواند افکار اسلامی را جذب کند و سیاست اسلامی را در جامعه پیاده سازی کند: «حالا که برگشته و جمهوری اسلامی شده است، باید همه طبقات جدیت کنند که آن چیزهایی که به ارث برده شده است از این رژیم طاغوتی پاک سازی کنند، مهم پاک سازی افکار است.» (صحیفه امام، ج ۹: ۴۲۷)

با ظهور انقلاب اسلامی و پیاده سازی سیاست دینی تلاش این است که فرم اسلامی جایگزین فرم غربی شود. در نظام پهلوی تلاش بر این بود که اسلام زدایی شود و اسلام به دلیل تعارض با منافع استعماری از عرصه خارج شود ولی با پیروزی انقلاب، سیاست های استثمار گرایانه غربی از عرصه خارج شد و سیاست اسلامی جایگزین شد:

«باید این فرم غربی برگردد به یک فرم اسلامی. باید ما توجه داشته باشیم که ما خودمان کی هستیم و چی هستیم، و مملکت ما احتیاج به چی دارد و به کی دارد.» (صحیفه امام، ج ۹: ۵۰۱)

امام(ره) مهم‌ترین مبادی تعالی فرهنگی حکومت اسلامی را برگرداندن فرم اسلامی به جای فرم غربی می‌دانست که اگر این امر به صورت کامل اتفاق بیفتد، جامعه به استقلال می‌رسد. در نقطه مقابل، اگر وابستگی به غرب و فرم غربی همچنان در نظام مدیریتی کشور نفوذ کند، استقلال معنایی ندارد:

اگر ما این وابستگی‌های معنوی را، این وابستگی‌هایی که جوان‌های ما را و دانشگاه ما را و همه چیز ما را به صورت غربی درآورده بود، این‌ها را اگر برگردانیم به حال خودش، و پیدا کردیم خودمان را، می‌توانیم یک ملت مستقل باشیم و یک ملت آزاد باشیم، پیوند به غیر نداشته باشیم، و خودمان سرپای خودمان بایستیم. (صحیفه امام، ج ۹: ۵۰۱).

از مهم‌ترین آفت‌های پیش روی حکومت اسلامی وجود تفکرات وابسته به نگاه غربی است. تلاش این تئوری این است که انسان صرفاً ابزار مادی باشد و از دایره‌ی معنویت خارج شود که در این صورت انسان به بعد حیوانی تنزل پیدا می‌کند. لذا لازم است در جوامع اسلامی در مقابل چنین تفکری ایستادگی و مقاومت شود.

۳.۵ موانع سیاسی عرفی شدن حکومت اسلامی

۱.۳.۵ تداوم بخشی ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی

از جمله موانع در قبال سکولار شدن نظام سیاسی دینی، حفظ روحیه انقلابی است. انقلاب اسلامی ایران بر اساس محوریت آموزه‌های اسلامی به پیروزی رسید و چنین روحیه‌ی انقلابی‌ای باعث تثبیت جمهوری اسلامی ایران شد. لذا استمرار و دائمی بودن این روند از دیدگاه امام(ره) نیازمند ترویج روحیه انقلابی است:

اسلام خون‌ها دیده است و جنایت‌ها بر اسلام و بر پیکر اسلام واقع شده است تا به دست ما رسیده است، و ما باید آن را حفظ کنیم. باید نگذاریم که این اسلام عزیز در خارج به دست اشخاصی که دارای دشمنی هستند و می‌خواهند اسلام را طور دیگر

موانع عرفی شدن حکومت اسلامی ... (سعید قربانی تازه کندی و دیگران) ۱۴۱

عرضه کنند و وانمود کنند، باید همه ما باهم طوری عمل کنیم که نقشه‌های آن‌ها خنثی شود. (صحیفه امام، ج ۱۲: ۸۱)

حفظ روحیه‌ی انقلابی در سایه‌ی حفظ ارزش‌های اسلامی محقق می‌شود لذا برای تداوم و استمرار این صراط، حیاتی است که ارزش‌های اسلامی حفظ و صیانت شود:

ما هم باید در مقابل آن‌ها (قدرت‌ها) مهیا باشیم. همان‌طور که امریکا برای توطئه آماده است، ما هم باید برای مبارزه و مقابله آماده باشیم. همه دست در دست یک‌دیگر بگذارند و از حیثیت و کیان اسلام و جمهوری اسلامی دفاع کنند و از این هیاهوها نترسند، که ما شکست نمی‌خوریم. شما که مسئولیت بسیار سنگینی به‌عهده‌تان می‌باشد، مطمئن و استوار به کار خودتان ادامه دهید؛ هر روز برنامه‌هایتان را بیش‌تر و بهتر توسعه دهید و کوشش نمایید تا برنامه‌های اصولی و منطبق با موازین اسلام ارائه نمایید و حیثیت ملت و مذهب خودتان را حفظ کنید. (صحیفه امام، ج ۱۷: ۲۴۳)

امام (ره) دفاع از آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی را دفاع مقدس می‌داند. در مباحث مختلف اشاره شد که هدف قدرت‌های بزرگ، استحاله مبانی و ارزش‌های دینی در جمهوری اسلامی از مبانی اسلامی است تا سیاست دینی در حکومت نقشی نداشته باشد. لذا کسی که در راه اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی مقاومت و دفاع می‌کند، از نقش اسلام در مبانی حکومتی دفاع می‌کند به سبب این‌که دفاع از اسلام و مبانی اسلامی است، عملکردی مقدس و ارزشی دارد. (نک: صحیفه امام، ج ۱۹: ۴۵۷).

۲.۳.۵ قرارداد اسلام در متن عرصه اجتماعی

معنویت اسلام در روند انقلاب اسلامی نیز جامعه را به تحرک درآورد و دین وارد عرصه عمل اجتماعی شد. مبانی اسلامی انقلاب اسلامی ایران ضمانت صیانت آن است. تا زمانی که پایبندی به آموزه‌های اسلام در مردم و مسئولان نظام حاکم باشد و براساس ارزش‌های متعالی اسلام گام به‌گام پیش بروند، انقلاب صیانت خواهد شد. در اندیشه امام (ره) اسلام باعث شد تا انقلاب اسلامی حاصل شود و برای صیانت از انقلاب نیاز است که مردم تابع اسلام و ارزش‌های اسلامی باشند:

متوجه باشید که امروز آن چیزی که اهمیتش بیشتر از چیزهای دیگر است، این است که ما حفظ اسلامیت این نهضت را بکنیم. این نهضت از اولش اسلامی بود و تا این جا هم اسلامی هست و ان شاء الله تا آخر هم اسلامی باشد. و همه‌ی ما، همه‌ی شما، همه‌ی ملت، همه باید همتشان این باشد که این نهضت را اسلامی پیش ببرند. اگر این محفوظ بماند آسیب دیگر نمی‌بینند. (امام خمینی، ۱۳۹۳: ۲۱۵)

بنابراین، صیانت از انقلاب نیازمند صیانت از ارزش‌های الهی است. پاس‌داشت ارزش‌های الهی صرفاً در بعد نظری نیست بلکه در تمامی وجوهات حکومتی لازم است؛ به یک معنا، جامعه اسلامی باید هم‌رنگ اسلام بوده و بر اساس مبانی اسلامی عمل کند: «لکن با رأی به جمهوری اسلامی آرمان‌های اسلام تحقق پیدا نمی‌کند - دنبال این رأی، عمل باید باشد - باید یکی یکی احکام شرع در خارج تحقق پیدا کند. باید همه‌ی اقشار اسلامی بشوند.» (امام خمینی، ۱۳۹۳: ۱۲۲)

محتوای جمهوری اسلامی بر اساس آموزه‌های دینی باشد و مبانی دینی باید در ظاهر و باطن حکومت ریشه دواند؛ «این جمهوری به معنای اسلامی، به همین معنا که عرض کردم که محتوا اسلام باشد، کوشش کنید که این معنا حاصل بشود. اگر این معنا حاصل شد، تا آخر پیروز هستید.» (امام خمینی، ۱۳۹۳: ۱۲۰) حفظ مبادی اسلام و ارزش‌های دینی در اجتماع نیازمند ایثار و فداکاری است. امام حسین (ع) زمانی که جامعه را در روند انحراف دیدند، جهت امر به معروف و حفظ اسلام از انحرافات وارد عمل شدند که در آخر به اوج فداکاری یعنی شهادت در راه اهداف اسلامی منتهی شد. اگر برای اسلام فداکاری نمی‌شد انقلاب اسلامی به ثمر نمی‌نشست:

صدر اسلام هم حضرت سیدالشهدا را که از همه خسارات بالاتر بود، [از دست دادیم] و سیدالشهدا می‌دانست که دارد چه می‌کند، می‌دانست که اینجا، این سفر این‌طوری است. باید این فداکاری بشود تا اینکه کار درست بشود. و ما هم امروز هرچه داریم از آن فداکاری است که آن فداکاری برای اسلام بود که همان مقداری که تا حالا [دوام] آورده است از همان بوده است. و ما باید این راه، این پایگاه را حفظش بکنیم و فداکاری را به مردم یاد بدهیم که باید فداکاری بکنید. (صحیفه امام،

موانع عرفی شدن حکومت اسلامی ... (سعید قربانی تازه کندی و دیگران) ۱۴۳

حلقه‌ی حفظ ملت و جامعه‌ی دینی در تبعیت از مبانی دینی و حفظ آموزه‌های اسلامی است. تا زمانی که ملت پایبند بر ارزش‌های اسلامی باشند، شکست معنا ندارد ولی اگر از مسیر اسلام دور شوند، بر اساس تفکر امام(ره) شکست حتمی است:

ملت ما تا این وحدت کلمه را دارند و تا این اخلاص را به اسلام دارند، این اخلاص به اسلام که خودشان را فدایی برای اسلام می‌کنند و اسلام را همه‌چیز خودشان می‌دانند، تا این معنا محفوظ است، ما باید مطمئن باشیم که پیروزیم، و ما همه باید این معنا را حفظ بکنیم. اگر خدای نخواستہ این روحیه را از دست بدهیم، خودمان را حالا پیروز بدانیم و هرکدام برویم سراغ کار خودمان. (صحیفه امام، ج ۶: ۴۹۳).

هر امتی جهت حرکت و پویایی و تداوم نیازمند یک نوع خط و مشی می باشد. برای امت اسلامی نیز خط و مشی با تکیه بر اصول اسلامی امکان پذیر است. بر این مبنا بدون شک مبانی اسلامی باید در اجتماع حاکم شود و حرکت و پویایی با تکیه بر مبانی دین حاصل شود.

۳.۳.۵ حضور مستمر روحانیت در اجتماع

تلاش‌های دشمنان این است که ملت‌ها روحانیت را رها کنند و این نهاد در روند اداره‌ی سیاست جایگاهی نداشته باشند تا از این طریق بتوانند سیاست‌های خودساخته را جایگزین سیاست‌های اسلام ناب کنند. لذا بر روحانیت است که با حضور در صحنه‌های سیاسی بر ایده اسلام منهای روحانیت خط بطلان بکشند. امام(ره) اسلام منهای روحانیت را باطل می‌داند و معتقدند امکان ندارد که اسلام باشد؛ ولی روحانیت به‌عنوان بانیان اسلام در روند تحولات اسلامی حضور نداشته باشند:

«مگر می‌شود اسلام بی‌ملا؟ مگر شما می‌توانید بدون ملا کار را انجام بدهید. باز این ملاها هستند که جلو می‌افتند کار انجام می‌دهند. این‌ها هستند که جانشان را [می‌دهند]. الآن هم ما تو حبس ملاها داریم.» (صحیفه امام، ج ۳: ۲۴۶)

براساس بینش ایشان از جمله محورهای ایستادگی در قبال زیاده‌خواهی‌های استعماری، بیداری و هوشیاری روحانیت و ملت است: «ملت بیدار است و روحانیت ایران هم به وظایف خود آشناست. روحانیت ایران را استعمار نتوانسته است خواب کند و فریب دهد.» (صحیفه امام، ج ۲: ۱۵۱) از جمله عوامل نفوذ عوامل غیر اسلامی در متن جامعه‌ی اسلامی

این است که علما بر اساس ارزش‌های اسلامی عمل نکنند و از زی طلبگی خارج شوند: «وظیفه شما این است در هر مقام که هستید وزانت و حیثیت اسلام را حفظ کنید. اگر یک نفر از افراد شما برخلاف زیّ خودش عمل کند، جامعه روحانیت را بد معرفی می‌کند.» (صحیفه امام، ج ۱: ۱۱۸) روحانیت به‌عنوان حامیان دین اسلام ضرورت دارد که خودشان را در قبال مادیات و نفسانیات تهذیب کنند که سقوط روحانیت در ابعاد مادی زمینه‌ساز انزوای اسلام خواهد شد:

اول کار این است که ما خودمان را تهذیب کنیم؛ به‌طوری‌که ما وقتی که اسم خودمان را روحانی گذاشتیم؛ الهی باشیم، روحانی باشیم. عرضه بکنیم خودمان را به دنیا، بگوییم که ما اشخاصی هستیم که روحانی هستیم و مربی جامعه هستیم. اگر از مربی جامعه خدای نخواستہ یک‌وقت یک‌چیز خلاف دیدند خوب، چه خواهد شد؟ این خواهد شد که خدای نخواستہ اگر زیاد شد، خوب روحانیت شکست می‌خورد. شکست روحانیت، شکست اسلام است. آن روز است که اسلام از دست ما خواهد رفت. (صحیفه امام، ج ۱۰: ۲۴)

جمهوری اسلامی بر این مبنا شکل گرفت که بانیان آن و متصدیان قدرت بر اساس آموزه‌های اسلامی بر مردم خدمت کنند. اگر روحانیت برخلاف خواسته‌های قرآن عمل کنند و به قدرت به‌صورت ابزار نگاه کنند؛ در این صورت اسلام در معرض بحران قرار می‌گیرد و جمهوری اسلامی دچار خسارت و بحران جدی می‌شود. (نک: صحیفه امام، ج ۱۷: ۴۹۳) جمهوری اسلامی ایران بر اساس فرهنگ اسلامی شکل گرفته و تداوم این نظام سیاسی دینی نیازمند حضور فعال بانیان این فرهنگ یعنی علماء است. روحانیت اسلام را بر حکومت دینی ایران تزریق کردند و با ایستادگی ملت و مقاومت آن‌ها جمهوری اسلامی را بر اساس مبانی دینی شکل دادند. ماندگاری اسلام و جمهوری اسلامی منبعت از آن نیازمند حضور احیایران آن یعنی روحانیت است. روحانیت مسیر مبارزات ملت را جهت‌دهی می‌کردند تا در روند انحراف قرار نگیرد:

«این حوزه‌های علمیه است که اسلام را تا حالا نگه‌داشته است. اگر روحانیون نبودند از اسلام خبر نبود. آنکه اسلام را زنده نگه‌داشته است در مواقع سیاه، در این زمان‌های سیاه، همین روحانیون بودند.» (صحیفه امام، ج ۶: ۲۷۸).

موانع عرفی شدن حکومت اسلامی ... (سعید قربانی تازه کندی و دیگران) ۱۴۵

شناسایی و شناساندن مبانی صحیح دین اسلام و ایجاد بصیرت و آگاهی در عموم جامعه نسبت به مبانی دین اسلام با حضور روحانیت امکان عملیاتی شدن دارد. در روایات نیز نسبت به رجوع به روحانیت جهت احکام و دین صحیح الهی اشاره شده است. این روند باعث سالم شدن تئوری و عملکرد امت اسلامی می گردد.

۴.۳.۵ برپایی عدالت

عدالت محوری از ارکان اساسی اسلام بوده و دین اسلام مترصد تحقق عدالت در جوامع انسانی است تا رفاه و آرامش در جامعه مستقر شود. انقلاب اسلامی لازم است که در راستای عدالت باشد و هدف جمهوری اسلامی این بود که ملت ایران را از بی‌عدالتی‌ها رهایی بخشد. از نگاه امام (ره) از فلسفه‌های اصلی تشکیل انقلاب اسلامی تحقق عدالت است و اگر این روند در جمهوری اسلامی مشهود نشود، انقلاب اسلامی به اهداف خود نرسیده و چنین روندی حکومت اسلامی را با بحران و تهدید روبه‌رو می‌کند:

همه پاسدار اسلام و حکومت حق باید باشید. در اینجا پاسداری این است که؛ این حکومت، حکومت عدل باشد، و پاسداری از عدالت باشد. پاسداری از عدالت این است که؛ پاسدار خودش موصوف به عدالت باشد تا بتواند پاسداری از عدالت کند. اگر خدای نخواستہ یک پاسداری، یک گروهی، در جامعه ما موصوف به عدالت نیستند و همان‌طوری که دستگاه سابق دستگاه تعدی و ظلم و تجاوز به مردم بود، این گروه یا این پاسدار یا این جمعیت، هر کس باشد، این هم تا آن اندازه که دستش می‌رسد همان کارهای رژیم سابق را بکند، این پاسدار نمی‌تواند باشد. (صحیفه امام، ج ۸: ۳۱۷)

تفاوت حکومت دینی با رژیم قبلی در ایران نیز این است که مبتنی بر عدالت است. عدالت زمانی در جامعه محقق می‌شود که سردمداران و صاحبان مدیریت در جامعه عادل باشند و نسبت به رفتار عادلانه در جامعه معتقد باشند:

اگر فرض کنید که ماها مدعی هستیم پاسدار اسلام هستیم و در این انقلاب، این جهت انقلاب که برقراری حکومت عدل اسلامی است، اگر بنا باشد ما مدعی پاسداری هستیم از انقلاب [در] آنجایی که خراب کردن و زدن و کشتن و کشته شدن بود درست آمدیم و به انقلابمان وفادار بودیم، اما در این مرحله، که مرحله سازندگی یک حکومت عدل اسلامی است، ما خدای نخواستہ پاسداری‌مان از یک همچو حکومت عدل اسلامی

به‌طور صحیح نباشد، یعنی خودمان در این مرحله انقلابی نباشیم، در این مرحله خودمان را نساخته باشیم که موصوف به عدالت باشیم، تا پاسدار عدالت باشیم، پاسدار یک حکومت عادلانه، چنانچه اگر حکومت ما هم یک حکومت عدل نبود، نمی‌توانیم بگوییم که این جهت انقلاب ما تحقق پیدا کرده است که جهت حکومت عدل اسلامی بود. (صحیفه امام، ج ۸: ۳۱۷)

جامعه‌ای که عدالت در آن حاکم باشد، مردم به حکومت اعتماد داشته و در بحران‌های مختلف پشت نظام ایستاده و مقاومت می‌کنند. لکن اگر بی‌عدالتی در جامعه حاکم شود، مردم از نظام اسلامی دل‌سرد می‌شوند و چنین روندی برای نظام سیاسی دینی باعث ایجاد مشکل می‌شود که از جمله‌ی آن‌ها روی‌آوری به مکاتب و مرام‌های الحادی و مادی‌گرا است: «از مهماتی است که جان باید پایش داد... برای اینکه اقامه حق بکند، اقامه عدل بکند.» (صحیفه امام، ج ۶: ۳۳).

از جمله دلایل روی‌آوری مردم به دین الهی، وعده‌ی عدالت‌گرایی و مبارزه با تبعیض و ظلم و نابرابری است. پس حکومت اسلامی شکل گرفته از مبانی دینی باید براساس ارزش‌های الهی که مشوق عدالت‌گرایی است عمل کنند که نتیجه‌ی آن جاذبه‌ی حداکثری و دافعه‌ی حداقلی است.

۵.۳.۵ مردمی بودن

از نگاه امام (ره) سرمنشأ قدرت عالمان دینی تعهد به اسلام و همراهی مردم است. در نظام قدرت و حکومت دو مبنای مقبولیت و مشروعیت وجود دارد. عالمان دینی هر اندازه هم مشروعیت داشته باشند، اگر از طرف مردم مقبولیت پیدا نمی‌کردند، نمی‌توانستند حکومت اسلامی شکل دهند. پس مبانی تجلی حکومت اسلامی و حضور روحانیت در اقتدار، تعهد به مبانی اسلامی و حضور مردم در صحنه و پشتیبانی آن‌هاست:

شما قوی هستید، مردم همراه شما هستند، مردم همراه حکومت‌های جور نیستند، مردم همراه با علما هستند. شما قوی هستید. شما هرکدام در محل خودتان همان قدرتی دارید که روحانیان ایران در اینجا دارند. آن‌ها عمل کردند در مقابل یک قدرتی که در منطقه نظیر نداشت، در مقابل یک قدرتی که هیچ‌یک از قدرت‌های منطقه شبیه به او نبودند. همین مردم کوچه و بازار ما و همین کشاورزان و کارگران ما به‌واسطه تعلیمات اسلامی که علمای اسلام به آن‌ها داده بودند و دادند بیدار شدند، و

موانع عرفی شدن حکومت اسلامی ... (سعید قربانی تازه کندی و دیگران) ۱۴۷

هجمه کردند بر یک همچو قدرتی و او را شکستند و او را بیرون کردند. (صحیفه امام، ج ۱۸: ۴۲۵)

از نگاه امام(ره) یکی از مشکلاتی که جهان اسلام با آن مواجه بوده، این است که دولت و ملت همگام نیستند و دولت‌ها با ملت‌ها تفاهم ندارند. ملت‌ها پشتوانه‌ی دولت‌ها نیستند و این روند باعث تضعیف دولت‌های اسلامی می‌شود:

یکی از مشکلات که باز مسلمین گرفتارش هستند، مسئله دولت و ملت است و دولت‌ها-در آن قدری که ما اطلاع داریم و شما هم مطلع هستید دولت‌هایی هستند که با ملتشان تفاهم ندارند. معامله دولت‌ها با ملت‌ها، معامله دشمن با دشمن است. ملت پشت می‌کند بر دولت؛ و دولت می‌خواهد تحمیل کند بر ملت. از این جهت، ملت‌ها پشتوانه دولت‌ها نیستند؛ بلکه معامله دشمن با دشمن می‌کنند، و این موجب ضعف دولت‌هاست. (صحیفه امام، ج ۹: ۴۱).

اسلام دین جامع و کاملی است که برای هدایت و سعادت بشر نازل شده است، جوامع جهت بهره‌وری از این نعمت الهی لازم است از احکام و قوانین الهی تبعیت کنند و این امر نیازمند سیستم حکومتی هوشمند و عقلانیت محور جامعه اسلامی و همراهی مردم است.

۶.۳.۵ وحدت‌گرایی

قدرت‌های بزرگ با راهبرد فکری چون تبلیغات وسیع درصدد هستند که اسلام را ناکارآمد نشان دهند تا یک نوع انزجار از دین اسلام را در جوامع اسلامی و نظام بین‌الملل ایجاد کنند. ولی از نگاه امام(ره) راهکار در قبال تبلیغات ناروای دشمنان وحدت در جوامع است. اگر جوامع در مسیر وحدت باشند تبلیغات سوء نمی‌تواند اثرگذار باشد:

امروز دنیا با ما به خاطر اسلام بد است. بعضی‌ها که جاهل‌اند می‌گویند اسلام به درد نمی‌خورد، اما بعضی‌ها که کمی اوضاع مردم ایران را می‌دانند می‌گویند اسلام خوب است ولی نه اسلام این‌ها، اسلام راستین. امروز تبلیغات علیه من و شما نیست، تبلیغات علیه اسلام است. اگر ما با اسلام کاری نداشتیم کسی با ما بد نبود. امروز امریکا و شوروی را که آن قدر در دنیا فساد می‌کنند کسی محکوم نمی‌کند، ولی تمام محکومیت‌ها مال ماست. در دنیا تنها ایران است که مورد سؤال است؛ ولی اگر ما وحدت خودمان را حفظ کنیم و هم‌صدا و هم‌جهت باشیم از هیچ چیز نباید بترسیم.

مهم این است که باهم خوب باشید و تصمیم داشته باشیم که مستقل و آزاد حرکت کنیم و مطمئن باشید که می‌توانید. ترس آن موقعی است که رؤسا با هم اختلاف داشته باشند و مردم در صحنه نباشند، که بحمدالله امروز، هم مردم در صحنه هستند، هم همه دست‌اندرکاران باهم خوب هستند. (صحیفه امام، ج ۱۷: ۴۴۱)

فرهنگ اسلامی موقعی در جامعه پیاده‌سازی می‌شود که از اختلاف بری بوده و در مسیر وحدت باشد. هدف پیامبران الهی از جمله پیامبر اسلام وحدت در جامعه‌ی اسلامی بوده است؛ زیرا پیامبر نسبت به این امر واقف بود که اگر وحدت نباشد جامعه‌ی اسلامی نمی‌تواند رشد کند:

پیغمبر اسلام می‌خواست در تمام دنیا وحدت کلمه ایجاد کند؛ می‌خواست تمام ممالک دنیا را در تحت یک کلمه توحید، در تحت کلمه توحید تمام ربع مسکون را قرار بدهد، متنها اغراض سلاطین آن وقت از یک طرف و اغراض علمای نصارا و یهود و امثال ذلک از طرف دیگر سد شد؛ مانع شد از اینکه ایشان بتوانند آن کار را انجام بدهند. (صحیفه امام، ج ۲: ۳۲)

تأکید قرآن و دین مبین اسلام بر اتحاد امت اسلامی است. وحدت جامعه را منسجم می‌کند و از ایجاد اختلافات ممانعت می‌کند. اگر جوامع اسلامی متحد شوند و براساس ارزش‌های اسلامی پیمان اتحاد ببندند دچار تزلزل فکری و عملی نخواهند شد.

۶. نتیجه‌گیری

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، تفکر لیبرالیستی و سوسیالیستی بر نظام فکری جهان اسلام مسلط شده بود و فکر اسلامی و مبنای اسلامی جهت تشکیل حکومت جایگاهی در میان امت اسلامی نداشت و دین در حاشیه قرار گرفته بود. شکل‌گیری انقلاب اسلامی با محوریت دین اسلام نوع نگاه و بینش نسبت به ظرفیت‌های اسلامی تغییر پیدا کرد، دین اسلام از حاشیه در متن قرار گرفت و مبنای جمهوری اسلامی در ایران شد. نظام سیاسی دینی در ایران مستقر شد و مبنای تصمیم‌گیری و اجرایی بر اساس رویکرد آموزه‌های اسلامی پیگیری شد. دشمنان اسلام در اولویت اول راغب بر این بودند که مانع ظهور انقلاب با مبنای اسلامی گردند، ولی با اراده ملت ایران، انقلاب اسلامی برخلاف میل نظام استکباری شکل گرفت و جمهوری اسلامی به تثبیت رسید. لذا در ادامه معاندین درصدد

برآمدند تا نظام جمهوری اسلامی را از لحاظ محتوایی استحاله نمایند و یک نظام عرفی را بر جامعه تحمیل کنند که ظهور چنین تفکر و روندی با مؤلفه‌هایی چون خودباختگی فرهنگی، عدم معرفت درست نسبت به آموزه‌های اسلام و مواردی از این قبیل امکان‌پذیر است، که در منظومه‌ی فکری امام خمینی (ره) در قالب بیانات و سخنرانی‌ها مطرح شده است. لکن برای جلوگیری از استحاله شدن نظام سیاسی دینی و جایگزین شدن مبانی عرفی به جای آن از نگاه امام لازم است که مواردی مورد توجه قرار بگیرد. از حیث بینشی و اعتقادی، امام (ره) بر راهبردهایی همچون؛ شناسایی و شناساندن اسلام به جامعه اسلامی، ارتقاء سطح بینش و بصیرت امت در حکومت اسلامی، تحول روحی و معنوی، دوری از تحجر و مقابله با نفسانیت اشاره می‌نمایند. در عرصه راهبردهای فرهنگی، امام خمینی (ره) برای مدیریت عرفی شدن به مؤلفه‌های خودباوری فرهنگی، استقلال فکری و فرهنگی، توجه به تربیت صحیح انسانی و اسلامی، خودباوری و بازگشت به اصالت‌های فرهنگی، مقابله فرهنگی با غرب‌زدگی و غیره اشاره می‌کنند. در حوزه راهبردهای سیاسی مقابله با عرفی شدن حکومت اسلامی، امام خمینی (ره) بر تداوم بخشی ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی، قرار دادن اسلام در متن عرصه‌ی اجتماعی، حضور مستمر روحانیت در اجتماع، برپایی عدالت، مردمی بودن و وحدت‌گرایی تأکید دارند.

کتاب‌نامه

- اسلامی، علیرضا (۱۳۹۴). انگاره‌های تحلیلی امنیت در اندیشه‌های امام خمینی (ره)، تهران: دفاع ملی.
- امام خمینی (ره) (۱۳۸۵). صحیفه امام، تهران: مؤسسه امام خمینی (ره).
- امام خمینی (ره) (۱۳۸۷). جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی، تهران: مؤسسه امام خمینی (ره).
- امام خمینی (ره) (۱۳۹۳). تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی، تهران: مؤسسه امام خمینی (ره).
- پرتو، فتح‌الله؛ فیض، مهدی (۱۳۹۵). «نسبت‌سنجی تحجر و گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی»، همایش گفتمان اسلام سیاسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- حسینی، مریم (۱۳۹۲). اندیشه سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خرمشاد، محمدباقر و دیگران (۱۳۹۰). بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران، تهران: سمت.

- خسروپناه، عبدالحسین و دیگران (۱۳۹۶). منظومه فکری امام خمینی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خسروی، احمدعلی (۱۳۸۰). بررسی استراتژی امام خمینی (ره) در رهبری انقلاب اسلامی، تهران: نبع.
- خورشیدی، حسین (۱۳۹۴). «بررسی مبانی وجودی حکومت اسلامی»، جبل‌المتین، سال ۴، تابستان، شماره ۱۱، صص ۱۴-۴.
- داستانی بیرکی، علی «تدوین» (۱۳۹۳). امام خمینی (ره) و بیداری اسلامی؛ چالش‌ها و راهکارها، انتشارات عروج.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۱). درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سالاری‌دران، مریم؛ کاکائی، عباس (۱۳۹۲). اصول‌گرایی در اندیشه امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۰). «الگوهای عرفی شدن جوامع»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۷۱، صص ۱۲۳-۱۰۸.
- صدرا، علیرضا؛ کرم‌زادی، مسلم (۱۳۸۸). «بررسی کارآمدی حکومت از دیدگاه امام خمینی»، حکومت اسلامی، پائیز، شماره ۵۳، صص ۱۳۶-۱۱۹.
- طائی حسنلوئی، سلیمان (۱۳۸۶). امام خمینی و جریان‌های حوزه علمیه قم، قم: هاجر.
- طاهری بنچاری، میثم (۱۳۸۸). فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- غفوری، اکبر؛ جعفری، الهه (۱۳۹۵). «تأثیر گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی بر بیداری امت اسلامی»، همایش گفتمان اسلام سیاسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۴). اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، قم: نشر معارف.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۵). امام خمینی (ره) و هویت ملی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کلاته، حسن (۱۳۸۷). گفتمان جمهوری اسلامی اندیشه امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- گلباغی، علی (۱۳۷۸). درآمدی بر عرف، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- مریدی، فاطمه (۱۳۸۸). نقش مصلحت در عرفی شدن دین از منظر امام خمینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم (ع).

موانع عرفی شدن حکومت اسلامی ... (سعید قربانی تازه کندی و دیگران) ۱۵۱

مؤسسه قدر ولایت (۱۳۸۳). آفت‌ها و آسیب‌های انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی، تهران: قدر ولایت.

ناصری، علی‌اکبر (۱۳۸۹). «دلایل آمیختگی دین و سیاست از منظر امام خمینی»، حکومت اسلامی، زمستان، شماره ۵۸، صص ۱۷۷-۲۰۸.

اشرف نظری، علی (۱۳۸۷). گفتمان هویت و انقلاب اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

نوازی، بهرام (۱۳۸۸). صدور انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشکده امام خمینی (س).

نوروزی، محمدجواد (۱۳۹۲). انقلاب اسلامی ایران، قم: مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره).

نوری، یحیی (۱۳۸۳). اصول فکری و فلسفی و اجتماعی اسلام، قم: نوید نور.

ورعی، سید جواد (۱۳۷۸). امام خمینی و احیای تفکر اسلامی، تهران: عروج.

یوسفی فخر، حسین (۱۳۸۹). سیاست و اجتهاد در اندیشه غزالی و امام خمینی (س)، تهران: عروج.

یوسفی، هدایت (۱۳۸۵). ریشه‌های عقب‌ماندگی مسلمانان در اندیشه امام خمینی، قم: پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.

